



نبرد. همانگونه که با برادران شیعی انس داشت با برادران اهل سنت هم انس داشت و از ظرفیت آنها هم استفاده می کرد. اعتماد به نفس و خودباوری هم اصل دیگری است که در حکمرانی ایشان هست. مدیریت جهادی - که بارها شنیده‌اید و مردم‌داری و مشارکت حداکثری نخبگانی... حالا می شود مردم‌داری و مشارکت حداکثری نخبگانی را ۲ اصل مستقل ذکر کرد.

■ به نظر می رسد خود شخصیت شهید سلیمانی هم در شکل گیری این مدل حکمرانی تاثیر ویژه داشته باشد، به نظر شما مهم ترین وجوه شخصیتی سردار سلیمانی که در این امر موثر بود، چه اموری بود؟

یکی از ویژگی های هویتی حاج قاسم که حاصل آن ۳ مینا و ۸ اصل بود اعتماد به نفس واقع بینانه بود. اعتماد به نفس داشتن تنها کافی نیست. اعتماد به نفس واقع بینانه مهم است. تواضع و فروتنی و خاکی بودن که دیگر شما بارها شنیده‌اید و در تصاویر دیده‌اید. این تواضع و فروتنی که مثلا خردار می شود فرزند یک شهید باردار است، در بیمارستان کسالت دارد، در بیمارستان است، می گوید حالا که پدرش نیست من بروم و جای پدر او را پر کنم. ببینید! چقدر شخص باید تواضع و فروتنی داشته باشد که فرمانده رشید سپاه قدس با آن همه مشغله‌هایی که دارد اما کار یک فرزند شهید هم برایش به اندازه مسؤولیتی که در سپاه قدس دارد مهم باشد. سعه صدر داشت و دریادل بود. سعه صدر بالا و آرامش معنوی عجیبی داشت. آرامش معنوی عجیب با آن همه هجمه‌ها و بار سنگین. شهید حاج قاسم می دانید نه جزء قبیله اصول گرایان بود نه جزء قبیله اصلاح طلبان. اصلا حزبی نبود. یعنی در هیچ کدام از این دسته‌ها نمی گنجید اما حرمت همه را نگه می داشت. کار خوبی می کردند، تکریم می کرد. اگر یک حرکت غلطی انجام می دادند با ادب نقد می کرد. یک وقت‌ها مثلا یکی از همکاران شان که خب دوست ما بود و از دوران جنگ ایشان را می شناختم و از رزمندگان فعال دوران دفاع مقدس بود، ایشان یک بیانیهای منتشر کرد؛ یک مقدار تند بود، شهید حاج قاسم می خواست نقد این را بنویسد هفت - هشت بار این را می نوشت و پاره می کرد، می گفت یک جور نوینم یک وقت مثلا یک شخصیتی تخریب شود. در عین حال که خطای او را به او نشان بدهد. چقدر مودب بود، چقدر مراقب بود. عشق و توسل به اهل بیت از دیگر ویژگی های ایشان بود. مقید بود. ایام فاطمیه در منزل پدری شان روزه داشتند در کرمان، خدا رحمت کند ایشان را شخصیت‌ها و روحانیون را آنجا دعوت می کرد خودش دم در می ایستاد به استقبال مردم و عاشقان اهل بیت. هم ایزدیان را نجات داد، هم کردها را نجات داد، هم سنی‌ها را، هم مسیحی‌ها را و هم شیعیان را. هر جا مظلوم بود می رفت و دفاع و حمایت می کرد. یا مثلا همین سیل زده‌ها و... می رفت کمک می کرد. نه کمک فردی که بخواهد یک کار شخصی انجام بدهد؛ نه! کمک سیستمی، اما کمک سیستمی را در میدان می رفت انجام می داد نه اینکه پشت میز بنشیند و دستور بدهد. با همه محبتی که داشت اهدت داشت، اقتدار داشت. وقتی بعد از مشورت‌ها تصمیمی می گرفت همه دیگر باید تبعیت می کردند؛ اگر نه کار پیش نمی رفت. ثابت قدم ماندن خیلی مهم است. مشورت پذیری و استفاده از تجربیات دوران دفاع مقدس و انتقال آن به جبهه مقاومت، از دیگر هنرهای ایشان بود. یعنی ۸ سال جنگ که ایشان فرمانده بود و سال‌های بعد که با اشراش مقابله کرد مجموع تجربیات خودش و دیگران را در جریان جبهه مقاومت استفاده کرد. دغدغه‌های فرهنگی، یکی از ویژگی های ایشان بود. مثلا مرتب جوان‌ها را به ازدواج تشویق می کرد. جوانان را تشویق می کرد به کار و فعالیت فرهنگی. طرحی را ایشان پیاده کرد، یک عده جوان را جمع کرد به هر کدام شان یک دستگاه ضبط صدا داد، آن زمان به آنها گفت بروید این سوال‌ها را از پدر و مادرهای شهدا پرسید. فرزندتان چطور بوده، چطور به دنیا آمده، چی خوردید که مثلا نطفه این بچه منعقد شد و این بچه به دنیا آمد. کودکی اش چه بود، نوجوانی و جوانی اش چگونه بود تا مرحله شهادت. مجموع این اطلاعات را جمع می کرد که چقدر می تواند اینها دیتاهایی باشد برای بحث‌های نظریه پردازی. یک جوانی بخواهد جانفش را در راه کشور و در واقع اسلام بدهد. چطور این جوان شکل گرفته و شخصیت پیدا کرده، هویت پیدا کرده، یک جوانی مثلا برای ۱۰ میلیون تومان حاضر است برود یک بانک

را آتش بزند، حاضر است مثلا برود جنایتی انجام بدهد. چون ۱۰ میلیون تومان می خواهند به حسابش واریز کنند اما یک جوانی حاضر است جانفش را بدهد برای اینکه این مملکت یک وجب از خاکش را از دست ندهد، چقدر فرق است میان این دو، چطور این این می شود و آن آن؟ این حتما یک فرآیند تربیتی متفاوتی داشته، آن فرآیند تربیتی متفاوت چه هست؟! شهید سلیمانی اشرا را آورد تبدیل به کشاورز کرد. حاج قاسم می گفت فرصتی که در تهدیدها هست بیش از فرصتی است که در تهدیدها نیست. فرصت‌های آن بیشتر است؛ استفاده کنید. دشمن شناسی و دشمن ستیزی هدایت گرایانه هم از ویژگی های دیگر شهید حاج قاسم بود و آخرین ویژگی هم که اشاره کنم اخلاص بود. اخلاص او از توحیدش بود. حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه یک جمله زیبایی دارند، خطبه فدکیه که عزیزان مستحضر هستی اسمش خطبه فدکیه هست اما در واقع خطبه معارف اسلام است، از توحید شروع می کند، حمد و ثنای الهی، پیامبر شناسی دارد، قرآن شناسی دارد، فلسفه دارد، احکام دارد، امامت شناسی دارد، امام علی شناسی دارد، آخرت شناسی دارد. بعد از حوادثی که برای فدک پیش آمد حضرت رفته مسجد یک خطبه بخواند. معلوم است مثلا یک ساعت حضرت زهرا معارف را بیان می کند؛ بعد به بحث فدک می پردازد. یک جمله معرفتی حضرت زهرا این است: «شهد ان لا اله الا الله، کَلِمَةُ جَعَلَ الْاَخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا» خیلی جمله عجیبی است. شهادت به یگانگی خدا کلمه‌ای است که خدا قرار داده این کلمه را به گونه‌ای که اخلاص تاویل این کلمه است. تاویل اینجا یعنی عینیت... مثل برادران یوسف که سجده کردند. یوسف گفت «هذا تاویل الرویا». خوابی دید بعد برادرها سجده کردند. این تعبیر آن روایست. یعنی عینیت آن رویای صادق است که دیده، می فرماید جعل الاخلاص تاویلا؛ اخلاص تاویل توحید است، عینیت توحید است. یعنی عزیزان اگر خواستید توحیدسنجی کنید خودتان را، ببیند هر کسی چقدر موحد است، چقدر مخلص است، چقدر اخلاص دارد. به اندازه‌ای که انسان اخلاص پیدا می کند توحید دارد. چون اخلاص ثمره آن توحید است که مهم ترین مبنای حکمرانی شهید حاج قاسم بود. ■ ممنون می شوم اگر نکته‌های می خواهید اضافه بفرمایید.

یک جمع بندی از عرایض داشته باشم؛ مدل حکمرانی شهید حاج قاسم مبانی ای داشت، اصولی داشت، آثاری در شخصیت و هویت خود او داشت. دقیقا در بحث جبهه سازی مقاومت بین الملل سیاست گذاری داشت، مقررات را تعیین می کرد. ساختارها را مشخص می کرد، گفتمان سازی می کرد، بعد قوانین را اجرا می کرد. اینطور نبود که یک قانون ابلاغ کند، بعد بگوید اجرایش نمی کنم برای اینکه ساختار مناسبی ندارد، برای اینکه گفتمان سازی مناسب انجام نشده. سیاست‌های جبهه مقاومت را مشخص می کرد،

مقررات را تعیین می کرد، مقرراتی که حالا بر اساس قانون اساسی و مصوبات مجلس بود. اول مقررات، بعد ساختارها، بعد گفتمان سازی، بعد تازه تحققی قوانین، بعد از تحققی قوانین رصد و نظارت و ارزیابی داشت. بعد اصلاح قوانین می کرد. بعد خدمات در جبهه مقاومت شکل پیدا می کرد... این الگوی گاورمنس یا به قول عرب‌ها الخکمه یک تکنولوژی نرم حل مساله است که به نظرم دانشگاهی‌ها باید به آن بپردازند و تحویل دولتمردان بدهند. چرا وضعیت مسکن ما این است؟ بنده عرض می کنم ضعف حکمرانی، نه حکومت داری! چون به وزارت مربوط هست. حکومت داری می کند اما حکمرانی نداریم. عزیزان از این مساحت زمینی که در کشور ایران هست، ۸۰ درصد زمین‌ها دست دولت است. ۲۰ درصد دست غیردولتی‌هاست. از این ۲۰ درصد ۳ درصدش برای مسکن است، ۱۵ درصدش کشاورزی و کارخانجات و اینهاست. ۳ درصد مسکن است، ۸۰ درصد زمین دست دولت است، چرا قیمت مسکن دست اختاپوس‌هاست؟ هر جور دل شان می خواهد قیمت مسکن و اجاره‌ها را اضافه می کنند. دولت! ۸۰ درصد زمین دست تو است. به هر خانواده‌ای ۲۰۰ متر زمین بدهی این ۳ درصد مسکن می شود ۵ درصد، یعنی هنوز ۷۸ درصد زمین در اختیار تو است، زمین رایگان به مردم بده. بعد می گویند خب! این زمین‌ها را بدهی امکانات گاز و آب و ... هم می خواهند. خب! شما الان دارید با هزینه تقریبا یک سوم افزوده‌تر ارتفاع می سازید، اصلا معماری ایرانی - اسلامی را هم رعایت نمی کنید و هزار آسیب فرهنگی هم برای زندگی خانواده‌ها دارد. بعد بعضی از آدم‌ها در همین تهران ۲ هزار و ۵۰۰ مسکن خالی دارند! تو از آنها مالیات نمی گیری، مالیات این خانه‌های خالی را بگیر خرج جاده سازی و آب و برق این زمین‌هایی کن که در اختیار مردم گذاشته‌ای این را که من عرض کردم نظر استادان دانشگاه است، علم دارد این را می گوید. دولت باید حکمرانی مسکن را به دست بگیرد، تسهیل‌گری کند، مگر شهید حاج قاسم که حکمرانی جبهه مقاومت را داشت خودش گفت من باید بیایم خودم موشک بسازم، خودم چی بسازم... نه... این همه نهادهای مختلف بودند. حکمرانی جبهه مقاومت را داشت. همه کار را که خودش انجام نمی داد؛ حکمرانی می کرد. این تکنولوژی حکمرانی جواب می دهد. در دنیا جواب می دهد. آمریکا ۴۰ سال است به این توجه دارد. در این ۴۰ سال ۲۰۰ جلد کتاب منتشر کردند. ما هنوز یک کتاب در حوزه حکمرانی ننوشته‌ایم. هنوز داریم بحث‌های سنتی مدیریت را درس می دهیم. ما این الگوی حکمرانی حاج قاسم را استفاده کنیم. در حوزه امنیت غذایی، در حوزه مسکن، در حوزه علم و فناوری. ببینیم جواب می دهد یا نمی دهد.

الگوی حکمرانی شهید حاج قاسم جواب می دهد، پاسخ می دهد برای زمانه ما.